

## کرامت انسانی و حقوق بشر؛ بررسی مقوله کرامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

سیدمحمدجواد قربی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از ایده‌های اساسی در اسناد حقوق بشر، اصل کرامت انسانی است که بعد از جنگ جهانی دوم، در تمامی اسناد حقوق بشر به آن توجه و اشاره شده، ولی در خصوص معنا، مصادیق و رویه‌های قضایی و تفسیری آن، اجماع عمومی بین‌المللی وجود ندارد؛ لذا مقاله حاضر تلاش دارد با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - توصیفی، به بررسی مقوله کرامت انسانی در گفتمان حقوق بشر بپردازد. سؤال اصلی مقاله این است که آیا مفهوم و اصول کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، با مصادیق شرافت انسانی مغایر است؟ مفروض مقاله نیز این است که کرامت انسانی به مثابه یک اصل مهم در اسناد حقوق بشری، فاقد اجماع عمومی بوده و دلالت‌های معنایی مختلفی از آن در رویکردهای تفسیری حقوق بین‌الملل مشاهده می‌شود.

برخی یافته‌ها نشان می‌دهند که کرامت انسانی مبتنی بر اصولی چون آزادی، برابری، حق توسعه، امنیت و حراست از هسته بنیادین زندگی افراد، کیفیت زندگی

## پژوهش‌نامه حقوق بشری

و رفاهیات اجتماعی است و برخی اعمال در جامعه بشری با اصل کرامت، شأن و عزت انسانی مغایرت دارند که از آن جمله می‌توان به شکنجه، تحقیر، تبعیض دینی و مذهبی، نقض حقوق زنان، بی‌توجهی به کودکان و اقشار آسیب‌پذیر، نفی حقوق سیاسی اقلیت‌ها و غیره اشاره کرد. این اعمال و رفتارها با اصل کرامت انسانی در تضاد هستند و اسناد حقوق بشر در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بر طرد این رفتارها توسط دولت‌ها تأکید دارند.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق بشر، کرامت انسانی، اصل برابری، آزادی، تبعیض، امنیت انسانی، کیفیت زندگی شهروندان، حق توسعه.



## مقدمه

ایده کرامت انسانی موضوعی قدیمی با ریشه‌های مختلف کلامی و فلسفی است، اما پس از جنگ جهانی دوم، این موضوع به یک مفهوم اصلی در گفتمان حقوق بشر و زبان قانونی در سطح بین‌المللی و همچنین در قانون اساسی داخلی کشورها تبدیل شد. (Kivisto, 2012: 100) به عبارتی دیگر، در سال ۱۹۴۸ که اعلامیه جهانی حقوق بشر به امضا رسید، کرامت انسانی به‌عنوان نوعی مرجع اخلاقی برای توافق‌نامه‌ای مطرح شد که می‌تواند راهنمایی هنجاری برای تفسیر چارچوب کلی حقوق بشر باشد.

(Duwell, 2015: 23)

کرامت انسانی در بسیاری از سیستم‌های حقوقی، یک ارزش اساسی است و در هر دو نیم‌کره شمالی و جنوبی، مقوله کرامت شهروندان در قانون مشترک و سیستم‌های حقوقی غیرنظامی، نقش برجسته‌ای داشته و این مفهوم سنگ بنای بسیاری از کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. (Brownword, 2015: 1)

کرامت انسانی بدان جهت دارای اهمیت و ارزش است که این مقوله، پایه و اساس بسیاری از حقوق، امتیازات و تکالیف انسانی شناخته می‌شود. به عبارتی، کرامت انسانی نه صرفاً به‌عنوان یک حق یا مجموعه‌ای از حقوق غیرقابل سلب و انتقال، بلکه محور و مبنای حقوق بشر تلقی می‌شود و پیشرفت پایدار در هر جامعه و نظام سیاسی، مستلزم رعایت کرامت شهروندان است. حقوق عدیده‌ای که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و با تفصیل بیشتر در میثاقین و سایر اسناد حقوق بشری آمده، اساساً برگرفته از شناسایی اصل کرامت برای همه است، (رحمانی و مؤذنی، ۱۳۹۵: ۲۴) لیکن در برخی منشورهای حقوق بشری جهانی، برخورد یکسانی با کرامت انسانی صورت نمی‌گیرد و این تردید در پژوهش‌های حقوق بشری مشاهده می‌شود. کرامت انسانی امری هنجاری است و صرفاً توصیفی انسان‌شناسانه نیست. (نویسار، ۱۳۹۶) در این مقاله



تلاش می‌شود با کاربست روش تحلیلی- توصیفی، به این سؤال پاسخ داده شود که کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر دارای چه بار مفهومی، اصول و مصادیق مغایر شرافت است؟

## ۱. رویکرد مفهومی؛ مذاقه در باب مفاهیم کلیدی پژوهش

### ۱-۱. کرامت انسانی

کرامت، تأیید چیزی با ارزش در خود یا دیگری به‌عنوان «وارث وجود» است.

(Galvin&Todres,2015: 411)

دانش‌نامه آکسفورد، کرامت را به‌عنوان وضعیت شایستگی افتخار یا احترام تعریف می‌کند. هنگامی که این مفهوم با صفت انسان همراه شود، از این تعریف این‌گونه استنباط می‌شود که همه انسان‌ها دارای ارزش برابر و ذاتی هستند و باید بدون توجه به سن، جنس، وضعیت اقتصادی، وضعیت سلامتی، منشاء قومی، عقاید سیاسی یا دینی، برای افراد احترام قائل شد. (Andomo,2014: 45)

کرامت واقعی انسان در هم‌گرایی، برابری، کیفیت، شکوفایی و همچنین شأن وجودی افراد قرار دارد. (Nussbaum,2008: 351)

در مورد ماهیت و نقش کرامت سه مفهوم وجود دارد که عبارتند از: «درک کرامت به‌عنوان بالاترین ارزش (انسانیت)، تصور کرامت به‌عنوان حق اصلی شخصی و تصور کرامت به‌عنوان وضعیت عزت شخصی به مثابه بالاترین ارزش توسط دکتربین حاکم بر قانون اساسی». (Sourlas,2016: 30)

در حوزه مناسبات اجتماعی، کرامت به معنای برخوردار شدن از یک زندگی

شرافتمندانه اجتماعی به‌عنوان یک حق است. (جعفری، ۱۴۱۹: ۱۴۹)



## کرامت انسانی و حقوق بشر؛ بررسی مقوله کرامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

از منظر کانت، کرامت انسانی ارزشی است که تمام انسان‌ها به جهت استقلال ذاتی و توانایی عقلانی و اخلاقی، به‌طور ذاتی و یکسان از آن برخوردار هستند.

(میراحمدی و کمالی، ۱۳۹۳: ۳۱)

در باب کرامت نیز چهار دیدگاه وجود دارد:

– رویکرد فاشیستی که انسان را فی‌حد‌ذاته، فاقد کرامت دانسته و کرامت را در اموری مانند وابستگی به دولت، حکومت، عقیده و مذهب جستجو می‌کند.

– رویکرد دوم، نگرش اومانیستی است که براساس آن، مبنای کرامت، برخوردار بودن انسان از توانایی‌هایی نظیر تفکر، قدرت انتخاب و آزادی اراده است.

– رویکرد سوم نیز رویکرد دینی است که معتقد است برخی انسان‌ها گرچه از کرامت برخوردارند، اما با اختیار خود، این کرامت را در مرحله بالقوه متوقف کرده و خود را از هرگونه شرافت بالفعل محروم می‌سازند. این دسته، کرامت اقتضایی را مطرح می‌کنند و قائل به کرامت ذاتی بالفعل برای انسان نیستند، ولی انسان را گوهری شریف می‌دانند.

– دیدگاه چهارم نیز کرامت انسانی را ذاتی و زوال‌ناپذیر می‌داند. (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۱۳)

### ۲-۱. حقوق بشر

حقوق بشر به‌عنوان یک مفهوم، همواره در طول تاریخ بشر، در حال تحول بوده و با قوانین، آداب و رسوم و مذاهب کاملاً پیوند خورده است؛ لذا معیارهای حقوق بشر باتوجه به نیازها و علایق آن با گذشت زمان تغییر می‌یابد. (Gebeve, 2012: 12)

رهیافت و سیاست حقوق بشر را باید اختراعات قانونی و ساختارهای نهادی دانست که مترصد رسیدگی به وضعیت بی‌عدالتی‌های تاریخی و ظلم‌های جدی است که به مردم تحمیل شده است. (Lohmann, 2015: 369) البته واقعیت تنوع فرهنگی، حاکی از عدم

کفایت منابع سنتی غربی برای تعریف حقوق بشر است. (Renteln, 1988: 343)



در این راستا، قبل از تعریف حقوق بشر، باید اشاره شود که حقوق بشر، اصلی جهانی است و همه انسان‌ها باید در همه جا و در هر زمان از آن برخوردار باشند و حقوق افراد مورد احترام قرار گیرد. از این رو، حقوق بشر دارای محدودیت جغرافیایی نیست و حقوق انسانی باید در سراسر جهان محقق شود و همه انسان‌ها از آن لذت ببرند. (Bayeh, 2015: 83)

مارک لاتیمر<sup>۱</sup> بیان می‌کند که حقوق بشر غالباً به‌عنوان حقوقی تعریف می‌شود که همه انسان‌ها صرفاً به واسطه انسان بودن از آن برخوردارند. این تعریف حقوق بشر را به‌عنوان مجموعه‌ای از حداقل معیارهای اساسی برای انسان مورد اشاره قرار می‌دهد، ولی اغلب به‌ویژه در زمینه مبارزات هویتی یا جنبش‌های اجتماعی مخالف، حقوق بشر به معنای کاملاً متفاوت برای بیان حقوق انسان‌ها، به کار می‌رود. براساس این برداشت، حقوق بشر حقوقی است که ما را به انسان تبدیل می‌کند. (Latimer, 2018: 406)

به یک معنا، حقوق بشر ناظر بر امتیازات کلی است که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است و دولت‌ها به شیوه‌های مختلف از جمله قانون‌گذاری و پیش‌بینی مکانیزم اجرایی مؤثر، به تضمین این حق‌ها برای افراد متعهد هستند. به همین دلیل است که ادبیات حاکم بر اسناد بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با دولت‌ها، ادبیاتی تعهدمدار و نسبت به افراد، ادبیاتی حق‌محور است. (حسینی، ۱۳۹۳: ۵-۴) در این رابطه، سازمان ملل متحد اشاره می‌کند که: «حقوق بشر از ذات ما جدا ناشدنی است و بدون آن نمی‌توانیم به‌عنوان انسان زندگی کنیم. حقوق بشر و آزادی‌های اساسی این امکان را برای ما فراهم می‌سازد تا صفات انسانی، عقل، استعداد و وجدانمان را به‌طور کامل پرورش داده و به کار بریم و نیازهای روحی و دیگر نیازهای انسانی را برآورده سازیم، این حقوق مبتنی بر خواسته بشر برای یک زندگی است که در آن شأن انسانی از احترام و حمایت برخوردار باشد.» (داوری، ۱۳۸۹: ۸۷-۸۶)

1. Mark Lattimer



## ۲. کرامت به مثابه یک مسئله حقوق بشری در اسناد بین‌المللی

گرانٹ<sup>۱</sup> در مقاله «کرامت و برابری» اذعان می‌دارد نابرابری یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در دستور کار جهانی حقوق بشر است، زیرا یک رویکرد رسمی برای ارزیابی نابرابری وجود ندارد که بتواند نابرابری ساختاری را برطرف کند. برای مقابله با ریشه‌های نابرابری، رویکردی متفاوت لازم است. کرامت به مثابه یک مسئله حقوق بشری می‌تواند منجر به تشکیل جامعه‌ای شود که در آن همه افراد، دارای ارزش هستند و نابرابری و تبعیض کاهش می‌یابد. (Grant, 2007: 299)

اصل احترام به کرامت انسانی نقش مهمی در هنجارهای نوظهور جهانی مربوط به حقوق بشر و اسناد مربوط به آن دارد. توسل به عزت و کرامت انسانی در اسناد حقوق بشر بین‌المللی، نگرانی واقعی درباره نیاز به ارتقاء احترام به ارزش ذاتی انسان و نیز یک پارچگی گونه‌های انسانی را نشان می‌دهد، اما عزت به تنهایی نمی‌تواند بسیاری از معضلات را برطرف کند و به همین دلیل است که توسل به کرامت انسانی را به‌عنوان یک اصل فراگیر با مراجعه به حقوق بشر ترکیب می‌کنند تا روشی مؤثر و عملی برای پیشبرد مسائل انسانی در سطح جهانی فراهم کنند. (Andorno, 2009: 223)

از این رو، برخلاف دیدگاه‌های باگاریک و آلن (۲۰۰۶) که بر تهی بودن مفهوم کرامت انسانی تأکید دارند، مسئله کرامت و عزت انسانی، امری دارای ارزش و قابل اثبات در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر است. (Grover, 2009: 615)

کرامت و حقوق بشر به‌عنوان آرمان‌هایی جذاب و ایده‌آل، به فرهنگ سیاسی جهانی ارتباط می‌یابد و توانایی لازم برای الهام بخشی به جنبش جهانی عدالت برای بشریت را دارا می‌باشد. (Soltan, 2017: 354) هرچند مسئله مهم عزت و کرامت، موضوعی برجسته و مهم است، ولی هیچ پرسش‌نامه استاندارد وجود ندارد که ماهیت



چندجانبه آن را به نمایش بگذارد و این مفهوم فاقد خصوصیات اندازه‌گیری لازم

است. (Dixon & et.al, 2011: 2)

مسئله مهم دیگر، عدم درک یکسان از کرامت انسان در جامعه جهانی، نهادهای حقوق بشر و اسناد بین‌المللی است و «هر گفتمانی در مورد کرامت انسانی، یک انسان‌شناسی خاص را فرض می‌کند.» (Imbach, 2015: 64)

فرهنگ‌های ایجاد شده توسط ادیان مختلف جهان، لزوماً مورد توجه بشر هستند و مفهوم غالب آن‌ها در مورد انسان تا حد زیادی به اعتقادات مذهبی آنان بستگی دارد که در این میان، دین اسلام نیز به انسان و کرامت انسانی، نگاه ویژه‌ای دارد. (Maroth, 2015: 155)

بنابراین، مسئله کرامت و عزت به شرایط محلی و درک‌های فرهنگی و اعتقادی وابسته است. در این رابطه، هانس زیبرتز<sup>۱</sup> اشاره می‌کند که کرامت انسانی تابع درک‌های مختلفی است و درک حیثیت انسانی در گذشته، از امروز متفاوت بوده است. (Ziebertz, 2016: 151)

کریستوفر مک کرودن<sup>۲</sup> نیز در این خصوص توضیح می‌دهد که اعلامیه جهانی حقوق بشر در محبوبیت استفاده از «عزت» یا «کرامت انسانی» در گفتمان حقوق بشر حائز اهمیت است، ولی استفاده از کرامت، فراتر از حداقل هسته اساسی، مبنایی جهانی و اصولی برای تصمیم‌گیری قضایی در چارچوب حقوق بشر فراهم نمی‌کند؛ به این معنا که درک مشترکی از آنچه که حیثیت و کرامت می‌طلبد، وجود ندارد. معنای کرامت در مسائل حقوقی متنوع و به‌طور قابل توجهی، در طول زمان و در حوزه‌های خاص متفاوت است. کرامت، زبان مناسب برای اتخاذ تفسیرهای اساسی از ضمانت‌نامه‌های حقوق بشری را فراهم می‌کند که بسیار وابسته به شرایط محلی است؛ لذا مفهوم کرامت انسانی، در توسعه احکام حقوق بشر نقش مهمی دارد. (McCrudden, 2008: 655)

1. Hans-Georg Ziebertz

2. Christopher McCrudden





به هر حال، اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) به عنوان یک سند مهم در تاریخ حقوق بشر که توسط نمایندگان با پیشینه‌های حقوقی و فرهنگی مختلف از تمام مناطق جهان تهیه شده و توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ به عنوان استاندارد مشترک برای همه مردم اعلام شد، تأکید دارد که همه انسان‌ها در کرامت و حقوق، آزاد و مساوی به دنیا می‌آیند. (United Nations, 2015: 1-4)

این تأکیدات حقوق بین‌المللی، گواهی بر اهمیت «حق زندگی با کرامت» است. (UNESCO, 2011: 16) به تعبیر سازمان عفو بین‌الملل، کرامت مستلزم احترام به تمام حقوق بشر برای همگان است و هیچ حق تقدمی بالاتر از حق زندگی با عزت وجود ندارد. (Amnesty International Publications, 2015: 20) البته در پژوهش‌ها استدلال می‌شود که حقوق بشر یک کشف غربی نیست و جوامع غیر غربی نیز مدت‌ها است که بر حمایت از حقوق بشر و کرامت انسان‌ها تأکید می‌کنند، لذا چنین ادعاهایی، عامل بروز سردرگمی در حوزه حقوق بشر و کرامت انسانی شده است.

فارغ از مباحث تاریخی، نگرانی از کرامت انسانی در سنت‌های فرهنگی غیر غربی، اهمیت اساسی دارد و همان‌طور که جک دانلی<sup>۱</sup> مطرح می‌کند، حقوق بشر تنها راهی است که برای تحقق و حمایت از کرامت انسانی طراحی شده است. اگرچه ایده حقوق بشر برای اولین بار در غرب و در دوران مدرن بیان شد، اما به نظر می‌رسد رویکردی مناسب با شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی معاصر در غرب و همچنین در کشورهای دیگر باشد. (Donnelly, 1982: 303)

با این وجود، علی‌رغم توافق گسترده بین‌المللی در مورد اهمیت این اصل، در مورد آن سردرگمی قابل توجهی میان قانون‌گذاران و محاکم و نیز ناهماهنگی چشمگیری در تدوین و کاربرد آن در قانون اساسی داخلی کشورهای مختلف وجود

1. Jack Donnelly



دارد. بخش اعظم این سردرگمی، ناشی از استفاده نادرست این اصطلاح توسط قضات

و مفسران است. (Mahony, 2012: 551)

به‌عنوان نکته پایانی، کرامت انسانی به‌عنوان یک مسئله و دغدغه جدی در گفتمان حقوق بشر، با دو مشکل مواجه است. اول این‌که تعریف آن دشوار است و مهم‌تر آن‌که، ترویج و حفاظت از کرامت افراد به خوبی پاسخ عملی داده نشده است. (Simoes,

& Sapeta, 2019: 250)

### ۳. کرامت ذاتی انسان مبنای حقوق بشر بین‌الملل

در ارزیابی مردم از حقوق، برخی عوامل زمینه‌ای اثرگذارند که یکی از آن‌ها، مفهوم کرامت انسانی است که میثاق بین‌المللی حقوق بشر، آنرا پایه و اساس همه حقوق

می‌داند. (Ziebertz, 2016: 151)

لرا والتینی<sup>۱</sup> تأکید دارد که حقوق بشر غالباً به‌عنوان حقوقی تعریف می‌شود که بشر به‌واسطه عزت ذاتی خود از آن برخوردار است. این پیوند مفهومی میان حقوق بشر و عزت ذاتی انسان، دارای محبوبیت است. (Valentini, 2017: 862)

عملکرد مفهوم کرامت انسانی هم به‌عنوان یک ویژگی ذاتی وجود انسان و هم به‌عنوان یک دستاورد ایده‌ال در اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل، در سال ۱۹۴۸ مطرح شد و سازندگان این سند، کرامت ذاتی انسان را تأیید کردند تا بتوانند ضمن توجیه دینی برای این تصدیق، مبنایی توضیحی برای اعتبار حقوق جهانی ارائه دهند.

(Hughes, 2011: 1)

کرامت ذاتی، مبنای حقوق بشر جهانی محسوب می‌شود، زیرا افراد به‌ماهو انسان، از حقوق بشری بهره‌مند و در دوران پدید آمدن حکومت‌ها و فرمانروایی هیئت حاکمه،

1. Laura Valentini



## کرامت انسانی و حقوق بشر؛ بررسی مقوله کرامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

مدعی حق‌های بشری خود بوده‌اند. در این رابطه، حکومت مردم‌سالار، به‌منظور اعمال قوه حاکمیت و برای تأمین، شناسایی و مراعات حقوق عمومی، نظم عمومی و رفاه همگانی، به‌ناچار به تحدید حقوق افراد مبادرت می‌کند. در این علقه سیاسی- حقوقی شهروندی، هرگونه تضییق و توسعه در مصادیق حقوق بشر به وضع حقوق شهروندی منجر می‌شود؛ لذا باید توجه داشت که حق‌های بشری در فضای جامعه، مطلق نیستند و کرامت اکتسابی به‌عنوان مبنای حقوق شهروندی محسوب می‌شوند و حکومت مشروع باید بر این مبنا، به وضع حقوق شهروندی مبادرت ورزد. (حیب‌زاده و فرج‌پور، ۱۳۹۵: ۱۱۵)

ویلی مابلو<sup>۱</sup> در این خصوص اشاره می‌کند که: «حقوق بشر ارتباط نزدیکی با مفهوم کرامت انسانی دارد و هر دو مفهوم به‌گونه‌ای به یکدیگر متصل شده‌اند که درک آن‌ها بدون دیگری امکان‌پذیر نمی‌باشد. اهمیت حقوق بشر و الزام به آن، مبتنی بر مفهوم کرامت انسانی است و به این معنا، کرامت انسانی پایه و اساس حقوق بشر تلقی می‌شود. مدافعان حقوق بشر برای توجیه ادعاها و اقدامات خود، به عزت انسانی متوسل می‌شوند. حمله علیه فقر جهانی، مبارزه با تبعیض، شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و محکوم کردن بی‌عدالتی، همه در مفهوم کرامت انسانی پایه‌گذاری شده است.» (Mubelo, 2017: 89)

لیکن نکته این است که اگر کرامت انسانی را به‌مثابه یک ویژگی ذاتی بپذیریم، دیگر سخن گفتن از حق کرامت معنای خود را از دست می‌دهد، زیرا همگان به‌صورت فطری و ذاتی دارای این خصلت می‌باشند و بحث در خصوص این مسئله به‌عنوان یک حق، بی‌معنا خواهد بود.



کانور ماهونی<sup>۱</sup> در این زمینه اشاره می‌کند: «باید پذیرفت که اگر کرامت یک ویژگی ذاتی برای هر انسانی است که خواستار برخورداری از رفتار و احترام برابر با آن است، در این صورت نمی‌توان چیزی به‌عنوان حق کرامت داشت.» (Mahony, 2012: 574)

از منظر جهان‌بینی، کرامت انسان از خدا سرچشمه می‌گیرد. از این رو، زندگی انسان مقدس است و انسان، محوری‌ترین و روشن‌ترین بازتاب خدا در جهان است. انسان‌ها دارای ارزش متعالی هستند که از جانب خدا حاصل می‌شود. این کرامت و عزت بر هیچ کیفیت انسانی، حکم قانونی و شایستگی یا موفقیت فردی مبتنی نیست. کرامت انسانی از وجود انسان غیرقابل تفکیک است؛ بدین معنا که این کرامت بخش اساسی هر انسان و یک کیفیت ذاتی است که هرگز نمی‌تواند از دیگر جنبه‌های اساسی وی جدا شود. اعتقاد به عزت انسان نیز اساس اخلاق است. (Feely, 2019: 1)

#### ۴. عملکرد غرب پیرامون اجماع اصل کرامت انسانی مندرج در اسناد حقوق بشری

تحولات جهانی باعث ایجاد تغییرات عمیقی در روابط میان فرد و دولت در زمینه حقوق بشر شده و نیازها برای اصل کرامت در شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی تجلی یافته است. (Mezzaroba & Silveira, 2018: 273)

لوسی<sup>۲</sup> توضیح می‌دهد که مفهوم کرامت انسانی به‌طور گسترده در جوامع بشری مورد استفاده قرار می‌گیرد و کرامت کامل ذاتی، کیفیتی متعلق به هر موجودی است که دارای وضعیت اخلاقی کامل باشد. این کرامت نیز دائمی، بی‌قید و شرط و غیرقابل تجزیه است. اصل کرامت، حقوق اساسی بشر مانند حقوق آزادی و برابری را پایه‌گذاری کرده است. (Michael, 2014: 12)

1. Mahony

2. Lucy Michael



الزامات کرامت انسانی در اسناد حقوقی بین‌الملل به‌دنبال توافق گسترده در مورد موضوع کرامت است، ولی اجماع حداقلی نمی‌تواند تعیین‌کننده حداقل محتوای وضعیت و اصل اساسی کرامت در جامعه بین‌الملل باشد. (Carozza, 2008: 938)

هورث و لانگمیر معتقدند که ایدئولوژی‌ها، مذاهب و سیستم‌های اخلاقی مختلف ممکن است در مورد حقوق به‌عنوان پایین‌ترین منخرج مشترک یک ساختار سیاسی در یک جامعه توافق کنند و این اجماع، نه تنها امری سیاسی، بلکه اخلاقی و هسته اصلی کرامت انسانی است. از آن‌جا که حقوق بشر جهانی پایه و اساس سیاسی یا مذهبی ندارد، نسبت به یک دین، فلسفه یا سیستم اخلاقی، تأثیر عملی بیشتری دارند و ادیان و کشورها می‌توانند براساس دیدگاه‌های خود از این حقوق استفاده کنند.

(Hjorth & Langmyr, 2015)

استافن و آرشاکیان تأکید دارند که نظریه‌پردازان سیاسی و حقوقی درباره مفاهیم مختلف کرامت بحث می‌کنند، اما نتوانسته‌اند در مورد معنای معقول یا تعریف غالب از این اصطلاح در چارچوب عملی یا نظری به توافق برسند. ماهیت کرامت انسانی به بهترین وجه، از طریق ارتباط یک فرد با جامعه یا دولت در محیط‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی توضیح داده می‌شود. هر مفهوم قابل دفاع در مورد کرامت انسانی باید روابط اجتماعی مختلف را به‌گونه‌ای منعکس کند که معنای آن برای انسان‌ها در فرهنگ‌های مختلف مشخص باشد. هر تصور احتمالی در مورد کرامت باید از هر مفهوم فلسفی یا مذهبی در باب کرامت مستقل باشد تا بیانگر نظرات فرهنگی و اجتماعی و منعکس‌کننده تفاوت‌ها و سیستم‌های فرهنگی باشد. مفهوم کرامت، تضاد بین جهانی‌گرایی و نسبی‌گرایی را به این معنا که عزت نفس انسان، تنها واقعیت انسان بودن است را حل می‌کند. به جای توصیف هرگونه آموزه جامع دینی یا فلسفی، با تعیین کرامت انسانی با بنیادی‌ترین حقوق که برای حداقل



روابط قابل احترام بین افراد و دولت‌ها ضروری است، می‌توان به اجماع هم‌پوشانی در فرهنگ‌های مختلف دست یافت. اجماع نه تنها ممکن است محصول عملی باشد؛ بلکه می‌تواند منعکس‌کننده تعهدات اعلام شده توسط کشورهای مختلف نیز باشد.

(Staffen & Arshakyan, 2017: 55)

با تمام این مسائل، پائولو کاروزا ۱۳۱ اشاره می‌کند که مفهوم کرامت انسانی در ایجاد اجماع، چندان موفق عمل نکرده و استفاده قضایی از عزت و کرامت مفید نیست و غرب باید به دنبال درک مشترک از وضعیت و اصل اساسی کرامت باشد.

(Carozza, 2008: 936)

مک کرودن نیز در کتاب «کرامت انسانی و تفسیر قضایی حقوق بشر» به اجماع بر هسته حداقلی کرامت انسانی اشاره می‌کند. وی در خصوص رویه‌های قضایی بین‌المللی، به «وجود تمایز در رویه‌های قضایی و نبود اجماعی فراتر از هسته حداقلی کرامت انسانی» اعتقاد دارد. (مک کرودن، ۱۳۹۶: ۸۷)

## ۵. ورود مقوله «کرامت» در اسناد حقوقی بین‌الملل؛ رویکرد تاریخی

این اصطلاح که در قرن سیزدهم در ادبیات لاتین پدید آمد، به ارزشمندی افراد اشاره داشت. واژه کرامت از ابتدا نیز اغلب دارای مفهوم نخبه‌گرا بود و افرادی که دارای عزت بودند، معمولاً در جامعه درجه بالایی داشتند، اما با این وجود، با ظهور اومانیسم در رنسانس، بسیاری از علمای دین به‌طور فزاینده خواستار گسترش کرامت بودند. (McManus, 2019: 1)

صرف‌نظر از برخی منابع پراکنده در طول قرن نوزدهم پیرامون عزت و احترام که به مقررات ملی معالجه زندانیان و پیش‌نویس معاهده قبل از جنگ جهانی دوم راجع به معالجه مردم غیرنظامی مربوط می‌شد، مهم‌ترین فشار در حقوق بشر بین‌المللی



## کرامت انسانی و حقوق بشر؛ بررسی مقوله کرامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

برای استفاده از عزت و کرامت پس از جنگ جهانی دوم، مربوط به پیش‌نویس کنوانسیون‌های ژنو بود.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در متن مقدمه کنوانسیون آورده که: «تأکید بر توجه به شخصیت و عزت انسان‌ها، یک اصل جهانی است که حتی در صورت عدم تعهدات قراردادی، الزام آور است. چنین اصولی ایجاب می‌کند که در زمان جنگ، به کلیه کسانی که به‌طور جدی درگیر جنگ نیستند و همچنین تمام افرادی که به‌دلیل بیماری، زخم، اسارت یا هر شرایط دیگری، درگیر جنگ شده‌اند، احترام گذاشته شده و از آن‌ها در برابر اثرات جنگ محافظت شود.

در متن کنوانسیون‌های به تصویب رسیده حقوق بشری، شأن و منزلت، برجسته‌ترین ماده مشترک است که رفتار تحقیرآمیز علیه عزت انسانی را ممنوع و اعلام می‌کند که این قبیل اقدامات ضد عزت انسانی در هر زمان و هر مکانی که باشد، ممنوع است. پروتکل الحاقی کنوانسیون‌های مربوط به حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلح بین‌المللی نیز بر ممنوع بودن نقض کرامت انسانی تأکید داشته‌اند. ضمن این‌که رفتار تحقیرآمیز، فحش‌ای اجباری و هر نوع حمله غیرمجاز مربوط به ضمانت‌های اساسی، نقض جدی این پروتکل محسوب می‌شود که در صورت مرتکب شدن و نقض کنوانسیون یا پروتکل، شامل اعمال آپارتاید و سایر رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز خشونت علیه عزت انسانی در نظر گرفته خواهد شد. از زمان پروتکل‌های حقوق بشری بعد از جنگ جهانی دوم، اساس‌نامه دادگاه‌های جنایی بین‌المللی و اساس‌نامه روم با تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی، اشاراتی به کرامت شخصی داشته‌اند. (McCrudden, 2008: 667-668)

در سال‌های ابتدایی بعد از جنگ جهانی دوم، ایده کرامت انسانی غالباً آرزوهای ملی و جهت‌گیری اخلاقی یا ایدئولوژیک ترتیبات قانون اساسی را بیان می‌کرد، ولی



به تدریج جای خود را در گفتمان‌های سیاسی و حقوقی یافت و بخش عمده‌ای از مفهوم مبهم خود را حفظ کرد. این مسئله در مقررات بین‌المللی حقوق بشر پس از

جنگ جهانی مشاهده می‌شود. (Pawel, 2018: 314-319)

از دهه ۱۹۴۰ نیز افزایش نسبتاً چشمگیر استفاده از عزت در چارچوب حقوق بین‌الملل حقوق بشر مشاهده می‌شود که حاکی از عادی شدن موضوع کرامت در حقوق بشر است. در سطح بین‌المللی، کرامت به‌طور معمول در منشورهای حقوق بشر، حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل خاص درج شده است. در این رابطه، مقدمه کنوانسیون برده‌داری سال ۱۹۵۶ به تأیید کرامت انسانی پرداخته و در مقدمه چندین کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار (ILO) نیز به مسئله کرامت اشاره شده است. سه مورد از کنوانسیون‌های اساسی بین‌المللی حقوق بشر در دهه ۱۹۶۰ نیز تأیید کردند که عزت و شأن انسانی، همچنان نقش مهمی در متون حقوق بشر خواهد داشت. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و رفع تبعیض نژادی نیز همگی در مقدمه‌ها و نیز در متون اسناد خود، بر مقوله کرامت و عزت انسانی اشاره داشته‌اند. علاوه بر آن، مسئله کرامت بشری در مقدمه کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) و پیش‌گیری از شکنجه (۱۹۸۴) بازتاب یافته است.

تا سال ۱۹۸۶، موضوع عزت آن‌چنان در کانون تصورات سازمان ملل درباره حقوق بشر قرار گرفته بود که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در رهنمودهای خود در اسناد جدید حقوق بشر اشاره کرد که ابزار کرامت انسانی را باید از خصوصیات بنیادی دانست و این مسئله از منزلت و ارزش ذاتی شخص انسان ناشی می‌شود. از آن زمان، کنوانسیون‌های اصلی در مورد حقوق کودکان (۱۹۸۹)، حقوق کارگران مهاجر (۱۹۹۰)، محافظت در برابر ناپدید شدن اجباری و حقوق معلولین (۲۰۰۷)، همه به موضوع کرامت اشاره داشته‌اند.





یکی دیگر از مهم‌ترین موارد استفاده از کرامت انسانی در عرصه بین‌الملل، پذیرش عزت به‌عنوان اصلی مهم در سازمان مرکزی کنفرانس جهانی وین در سال ۱۹۹۳ است. پس از آن نیز، رویکردهای حقوق‌بشری در سازمان‌های بین‌المللی، مفهوم کرامت را در مفاد حقوقی خود تصویب کردند که مربوط به حوزه‌های خاصی از حقوق بشر مانند منع شکنجه، منع خشونت و آزارجنسی، لغو افراط و تفریط فقر و مسئله اخلاق زیست‌پزشکی هستند. در این راستا، نقش کرامت به‌طور فزاینده‌ای، فراتر از مقدمه اسناد بین‌المللی حقوق‌بشر و متون مقالات اساسی آن‌ها گسترش یافته است.

طی سال‌های اخیر، اشارات به شأن و منزلت انسانی گسترش یافته و شامل حقوق در روند دادرسی کیفری، حق و حقوق برای حداقل شرایط رفاهی، حق سلامت، حق برخورداری از معلولان به‌عنوان افراد مستقل، حق برخورداری از فرزندان با عزت بعد از سوءاستفاده، حق شهرت، حقوق فرهنگ بومی، حق کنترل دسترسی و استفاده از داده‌های شخصی، رفتارهای زیست‌پزشکی و غیره می‌شود. (McCrudden, 2008: 668-670)

بعد از این‌که اصطلاح و دانش‌واژه کرامت انسانی برای نخستین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ تبلور یافت و به صراحت بر کرامت ذاتی تمامی اعضای خانواده بشری تأکید شد، در قالب اسناد حقوق بین‌الملل بشر نیز که در نیمه دوم سده بیستم تصویب شدند، نظیر کنوانسیون حمایت از زندانیان جنگی و افراد غیرنظامی در زمان جنگ، معاهده منع تبعیض نژادی و تبعیض زنان، کنوانسیون پیش‌گیری از شکنجه و دیگر رفتارهای غیرانسانی و توهین‌آمیز، معاهده ترغیب حقوق کودک و حمایت از ناتوانان روانی و جسمانی و بسیاری دیگر از معاهدات، به این وصف انسانی اشاره شده است. با وجود این، واقعیت این است که اسناد مربوط به زیست‌پزشکی با

تأکید بسیار، به تعبیر کرامت انسانی می‌پردازند. (آندورنو، ۱۳۸۶: ۹۹)



## ۶. دلالت‌های متفاوت کرامت انسانی در متن‌های حقوق بشری بین‌المللی

در حالی که کرامت انسانی دارای فضیلت جهانی است، محتوای آن تا حد زیادی به ارزش‌های اجتماعی، مذهبی و سنتی برخی از جوامع بستگی دارد. (Staffen & Arshakyan, 2017: 59)

مفهوم کرامت انسانی چندین کارکرد زبانی دارد که دلالت‌های متفاوت و کاملاً مشخص را در متن‌های مختلف نشان می‌دهد. مفهوم کرامت انسانی دارای معانی مختلفی است که ممکن است در برخی مواقع متناقض باشد. دلیل اصلی اختلاف در مورد ماهیت کرامت انسانی، ناشی از این واقعیت است که تغییر در متن یک کلمه، ممکن است باعث سوء تفاهم در معنای آن شود. البته آنچه باعث سردرگمی در خصوص واژه کرامت در اسناد بین‌المللی می‌شود، ظاهر یکنواخت کلمات است که در زمان استفاده، مفهوم و درخواست حقیقی آن‌ها به وضوح ارائه نشده‌اند و به همین دلیل، کرامت انسانی یک مفهوم نسبتاً التقاطی و مبهم است. با این حال، با ترسیم و نقشه‌برداری از کارکردهای اصلی زبانی کرامت انسانی، درک بهتر از معنای این اصطلاح ممکن بوده و می‌تواند به روشن شدن ابهام در مورد کرامت انسانی و استفاده مکرر سیاسی از این اصطلاح کمک کند. (Shultziner, 2003: 1)

محتوای کرامت انسانی در قوانین اساسی کشورها نیز متفاوت بوده و منجر به اختلاف نظر درباره دامنه، معنا و برنامه‌های دولت برای اجرای کرامت انسانی می‌شود. با توجه به این مسئله، دستگاه‌های حقوقی و قضایی بین‌المللی و ملی با به چالش کشیدن یا تصویب سیاست‌های خاص در رابطه با کرامت انسانی، در خصوص معنای کرامت افراد تصمیم می‌گیرند. (Staffen & Arshakyan, 2017: 45-46)

با وجود ابهام آشکار در مفهوم کرامت انسانی و دلالت‌های متفاوت از آن، طرح این ایده در اسناد بین‌المللی نیز پیامدهای عمیقی بر رویکرد افراد نسبت به سیاست‌های



## کرامت انسانی و حقوق بشر؛ بررسی مقوله کرامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

مرتبط با حوزه سلامت، عدالت، جنسیت، شغل، تحقیقات پزشکی و غیره داشته است. (Haack, 2012: 4-5)

۷. کرامت در اسناد حقوق بشری بین‌المللی؛ کلیگویی در خصوص مفهوم و ابزارها  
کرامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر با اخلاق زیستی ارتباط وثیقی دارد (مقدس و یحیایی، ۱۳۹۵: ۱۲۴-۱۱۶) و این مقوله در اسناد حقوق بشری به عنوان خصیصه جوهری زندگی و امری ثابت در تمام دوران زندگی است. این برداشت از کرامت در بند اول اعلامیه جهانی حقوق نمایان است. برداشت حاضر از مفهوم کرامت با رویکرد کرامت به مثابه استقلال و خودمختاری وجود انسانی فردی، تعارض دارد. تعارضی که نویسندگان در مواردی مانند قتل ترحم‌آمیز (اتانازی) به خوبی ترسیم می‌کنند.

سیاق اسناد حقوق بشری بدین صورت است که حقوق و آزادی‌های انسان در سند را مبتنی بر پایه متقن کرامت انسانی می‌دانند و این مهم در مقدمه یا ماده نخستین سند تصریح می‌شود. این روش از اولین اسناد حقوق بشری تا دوران حاضر ادامه دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به اسناد نسل چهارم حقوق بشر، اعلامیه جهانی درباره ژنوم انسانی و حقوق بشر و اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر اشاره کرد.

(حبیب‌زاده و فرج‌پور، ۱۳۹۵: ۱۱۸) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
تکوین این اندیشه در نظام بین‌الملل توسط اسناد حقوق بشری منجر به ترویج اصل برابری سیاسی و حق تعیین سرنوشت به عنوان مصادیق کرامت افراد شده است. (جریده و رزاقی، ۱۳۹۴: ۸۰-۷۵)

ضمن این‌که برداشت مفهومی کرامت در اسناد حقوق بشری منجر به تحدید دامنه مداخله در فضای رفتاری شهروندان، ممنوعیت مجازات‌های ظالمانه، ممنوعیت تبعیض، آزادی مذهب و عقیده، ممنوعیت مجازات تغییر عقیده، حق تأمین امنیت، کمک‌رسانی مناسب به بزه‌دیدگان، احترام به شأن مجرمین و... شده است. (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۵۶-۹۹)



باید توجه داشت که مسئله حق کرامت از موضوعاتی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته و اساس دموکراسی و آزادی انسان تلقی می‌شود و حتی یکی از توصیه‌های اکید اعلامیه این است که تدوین و اجرای قوانین کشورها نباید در ضدیت با کرامت انسان باشد و در این رابطه، مجازات «موهن»، «خسونت‌آمیز» و «ظالمانه» مطلقاً ممنوع اعلام شده، اما این تعبیرات دارای ابهام است، زیرا هنگامی که تأکید می‌شود که «قوانین نباید موهن باشد»، مشخص نیست که چه مرجع یا چه فردی باید موهن بودن یا نبودن را تفسیر و تعیین کند؛ لذا این اعلامیه که باید مورد استناد همه حقوق‌دان‌های دنیا باشد و همه کشورهای دنیا از آن اطاعت کنند، لازم است به قدری شفاف و گویا باشد که بتوان به راحتی بدان استناد کرد. اگر تفسیر این اصطلاحات به مجالس قانون‌گذاری هر کشوری واگذار شود، در آن صورت دستگاه قانون‌گذاری هر دولتی، یک‌سری مجازات‌ها را برای مجرمان و متخلفان وضع می‌کند که از نظر آن دولت، چنین مجازاتی برای تأمین نظم و امنیت عمومی، عادلانه است.

یکی از موضوعاتی که همه انسان‌ها برای آن ارزش قائل هستند، عدالت است. تأکید بر این که قوانین کشورها باید عادلانه باشد و مجازات‌ها نباید ظالمانه باشد، امری است که همه عقلاً بدان معترف بوده و برای آن احترام قائل هستند، اما مهم این است که تشخیص دهیم چه نوع مجازاتی عادلانه است و کدام مرجع می‌تواند مصداق عدالت را تعیین کند تا مورد اتفاق همه قرار گیرد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۲۵۰-۲۴۱)

این ایرادها نشان می‌دهد که اسناد حقوق بشری نسبت به مفهوم کرامت انسانی، مرجع رسیدگی به نقض کرامت، ابزارها و شیوه‌های تأمین آن کلی‌گویی کرده و با مشکلاتی در حوزه ضمانت اجرایی، رویه‌های قضایی و اصل تعمیم‌پذیری مواجه است.



## کرامت انسانی و حقوق بشر؛ بررسی مقوله کرامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

در این رابطه، آندورنو در کتاب خود آورده است: «حقوق بین‌الملل بدون هیچ‌گونه مقدمه‌چینی برای تبیین مفهومی اصطلاح کرامت انسانی، آن را به‌کار می‌برد. این عدم تبیین، پاره‌ای از اندیشمندان را به سمت این تأویل سوق داده که کرامت، یک مفهوم ذاتی محض، بدون هیچ‌گونه معنی خاص یا حتی مفهومی عبث است که می‌توان به سادگی آن را نادیده انگاشت.» (آندورنو، ۱۳۸۶: ۹۹)

### ۸. بازتاب اصل کرامت در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر

بررسی معاهدات بین‌المللی حقوق بشری نشان می‌دهد که این اسناد شامل مفاهیم متعددی مبتنی بر تفاسیر مضیق و قوم‌مدارانه از انسان هستند. (بروین، ۱۳۸۶: ۴۸) برخی اسناد بین‌المللی حقوق بشر که واژه کرامت انسانی در آن‌ها مورد تأیید قرار گرفته، عبارتند از:

- دولت‌های عضو منشور سازمان ملل متحد (UNC)، ایمان خود به حقوق و کرامت انسانی را در مقدمه این سند اعلام کرده و در بند سوم ماده یک نیز تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان و بدون هرگونه تمایزی را از اهداف ملل متحد بر شمرده‌اند.

- در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR)<sup>۲</sup> نیز ضمن شناسایی کرامت ذاتی تمامی اعضای خانواده بشری و حقوق برابر و انتقال‌ناپذیر آنان به‌عنوان اساس آزادی به ایمان دولت‌های عضو سازمان ملل متحد بر اساس منشور، به کرامت انسان و ارزش شخص انسانی، اشاره شده است. هم‌چنین در ماده یک اعلامیه نیز آمده که تمام افراد بشر، آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ کرامت و حقوق با یکدیگر برابرند. به

1. United Nations Charter (1995)

2. Universal Declaration on Human Rights (1948)



این ترتیب، اعلامیه به نحو مؤکدی، کرامت انسانی را مورد توجه قرار داده و ضمن افزودن قید «ذاتی» به کرامت، آن را متعلق به تمامی اعضای خانواده انسانی دانسته و کرامت ذاتی را مبنای عدالت، آزادی و صلح جهانی دانسته است. (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۳۰)

- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۱</sup> (۱۹۶۶) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی<sup>۲</sup> (۱۹۶۶) نیز براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین یافته و در مقدمه هر دو، با ادبیاتی یکسان، طبق اصول منشور ملل متحد، شناسایی کرامت ذاتی و حقوق برابر و غیرقابل اسقاط تمامی اعضای خانواده بشری، به‌عنوان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان شناخته شده و بر این امر اذعان شده که حقوق برابر و غیرقابل اسقاط انسان‌ها، از حیثیت و کرامت ذاتی شخص انسان ناشی می‌شود.

- در ماده دهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هم آمده که با تمام افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند، باید با انسانیت و احترام به حیثیت و کرامت انسان رفتار کرد. در ماده ۱۷ سند مزبور نیز، بر ممنوعیت مداخله خودسرانه به حریم خصوصی و تعرض به شرافت و حیثیت انسان تأکید شده است. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در ماده ۱۳، ضمن شناسایی حق هر کس به آموزش و پرورش، رشد و شکوفایی شخصیت و کرامت انسانی و تقویت حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی را هدف آموزش و پرورش مورد قبول دولت‌های عضو قلمداد کرده است. (پیرامن، ۱۳۹۵: ۱۶۶-۱۶۵)

- در مقدمه کنوانسیون رفع اشکال تبعیض علیه زنان<sup>۳</sup> و همچنین مقدمه اعلامیه کنفرانس جهانی زن پکن، بر مقام و منزلت و حقوق برابر انسان‌ها و لزوم احترام به شخصیت بشر تأکید شده است. تبعیض نژادی، بی‌تردید اقدامی ضدبشری و

1. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)

2. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR)

3. Convention on the Elimination of all Forms of Discrimination Against woman



## کرامت انسانی و حقوق بشر؛ بررسی مقوله کرامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

نقض آشکار کرامت انسانی محسوب می‌شود و در اسناد متعددی از جمله کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی<sup>۱</sup>، بر ممنوعیت آن تصریح شده است. در آغاز مقدمه این سند، بر اصل حیثیت و کرامت ذاتی انسان به‌عنوان یکی از اصولی که منشور ملل متحد بر آن مبتنی است، تأکید شده و ضرورت احترام به شخص انسان مورد توجه قرار گرفته است.

- کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز (۱۹۸۴) نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی در مقدمه خود، کرامت ذاتی شخص انسان را به‌عنوان مبنای حقوق بشر به رسمیت شناخته است. اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین هم ضمن این که در مقدمه، شأن و منزلت ذاتی انسان‌ها را مورد تأکید قرار داده و تمامی حقوق بشر را ناشی از کرامت ذاتی انسان می‌داند، عزم راسخ خود را به تجدید میثاق با شأن و کرامت شخص انسان اظهار کرده و در بند ۲۰، کرامت ذاتی اقوام بومی را مورد تأیید قرار داده و در بند ۵۵ نیز شکنجه را به‌عنوان یکی از زشت‌ترین جلوه‌های تعرض به کرامت انسانی دانسته که کرامت و حیثیت انسانی را تباه می‌سازد.

- اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر در یازده نوامبر ۱۹۹۷، به تصویب کنفرانس عمومی یونسکو رسیده و ژنوم انسانی را مبنای وحدت بنیادین تمامی اعضای خانواده بشری و اساس شناسایی کرامت ذاتی و تنوع آن‌ها به شمار آورده و در ماده یک تصریح کرده که هر کس حق دارد کرامت و حقوق انسانی او، بدون توجه به ویژگی‌های وراثتی وی، مورد احترام قرار گیرد و تنزل مرتبه افراد را به‌دلیل خصایص وراثتی آن‌ها ممنوع دانسته است.

1. International Convention on the Elimination of all forms of Racial Discrimination



- اعلامیه بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی که در شانزده اکتبر ۲۰۰۳ به تصویب سی و دومین کنفرانس عمومی یونسکو رسیده نیز توجه ویژه‌ای به کرامت انسانی دارد. در مقدمه این سند، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اعلامیه، مواجهه با خطرات بالقوه جمع‌آوری، پردازش، استفاده و ذخیره‌سازی داده‌های ژنتیک انسانی نسبت به احترام شأن و کرامت انسانی، عنوان شده است. (پیرامن، ۱۳۹۵: ۱۶۷-۱۶۶)

- منشور آفریقایی حقوق بشر نیز در پاراگراف دوم مقدمه آن با ارجاع به منشور سازمان وحدت آفریقا، آزادی، برابری، عدالت و احترام به کرامت انسان را از اهداف اساسی نیل به آمل مشروع ملت‌های آفریقا اعلام کرده است. در ماده ۵ منشور آفریقایی آمده است: «هر فرد حق دارد از احترام ذاتی و شناسایی وضعیت حقوقی خود برخوردار شود.»

- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر یک معاهده الزام‌آور و از جمله مهم‌ترین اسناد مصوب در نظام آمریکایی حقوق بشر است که در بند اول ماده یازدهم، اصل کرامت انسانی را به این شرح مورد شناسایی قرار داده است: «هر کس حق دارد حیثیت و شرافتش محترم باشد و کرامتش به رسمیت شناخته شود.»

- منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا نیز در مقدمه خود بر شناسایی ارزش‌های جهانی کرامت بشر، آزادی، برابری و همبستگی تأکید کرده است. فصل اول این منشور، عهده‌دار بیان پنج حق مربوط به حرمت و کرامت انسان است که حمایت از آن را لازم می‌شمارد. اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر از جمله نخستین اسناد الزام‌آور منطقه‌ای محسوب می‌شود که در نظام آمریکایی حقوق بشر به تصویب رسیده و در پاراگراف اول مقدمه آن بر این امر تأکید شده که تمامی انسان‌ها آزاد متولد می‌شوند و در کرامت و حقوق برابرند. (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۲۶-۱۱۵ و پیرامن، ۱۳۹۵: ۱۶۸)

- در سال ۱۹۹۰ نیز اعلامیه اسلامی حقوق بشر در قاهره به تصویب اعضای کنفرانس اسلامی رسید. این اعلامیه در محتوا و ماهیت، موجد حق خاصی نبود و





## کرامت انسانی و حقوق بشر؛ بررسی مقوله کرامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

تنها حقوق بشر متجلی در متون اسلامی را به شیوه‌ای جدید در برابر اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح کرد. (عمیدزنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۴) در ماده اول اعلامیه حقوق بشر اسلامی تأکید شده: «بشر به طور کلی، یک خانواده هستند که بندگی نسبت به خداوند و فرزندی نسبت به آدم، آن‌ها را گرد آورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت بدون هرگونه تبعیضی از لحاظ نژاد، رنگ، زبان، جنس، اعتقاد دینی، وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره، برابرند. ضمن این‌که عقیده صحیح، تنها تضمین رشد این شرافت از راه تکامل انسان است.»

- در بند ج ماده هفدهم این اعلامیه نیز آمده است: «دولت مکلف است حق هر انسانی را در زندگی شرافتمندانه‌ای که بتواند از طریق آن مایحتاج خود و خانواده‌اش را بر آورده سازد، تأمین کند.» (سازمان کنفرانس اسلامی، ۱۳۶۹ و ارسطا، ۱۳۹۶: ۵۷-۴۹)

- براساس حقوق بشر اسلامی، حتی غیرمسلمانان نیز از حق کرامت انسانی در کشورهای اسلامی برخوردارند. (العايد، ۱۳۸۶: ۳۵-۲۲) در ایران، «دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضاییه»، بر صیانت از حیثیت و حفظ کرامت افراد تأکید دارد و در بند الف ماده سوم به «اهتمام بر رعایت اصول کرامت انسانی و تلاش در راستای گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» اشاره شده است. (قوه قضاییه، ۱۳۹۸: ۲)

### ۹. اعمال مغایر کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

#### ۹-۱. تبعیض‌های نژادی

براساس کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی (۱۹۶۵)، کلیه افراد انسانی از لحاظ حیثیت و حقوق، به‌طور آزاد و یکسان متولد می‌شوند و باید بتوانند از کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در آن اعلامیه بدون تمایز به‌خصوص از حیث نژاد، رنگ یا ملیت برخوردار شوند. کلیه افراد بشر در پیشگاه قانون برابر بوده و حق



دارند علیه هر نوع تبعیض و هرگونه تحریک به تبعیض، از حمایت یکسان قانون برخوردار باشند. در قرارداد فوق، «تبعیض نژادی» به‌عنوان یکی از آسیب‌های مغایر کرامت انسانی، به شرایط زیر اطلاق می‌شود:

«هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت و رجحانی براساس نژاد، رنگ، نسب یا منشاء ملی و قومی که هدف یا اثر آن از بین بردن یا در معرض تهدید و مخاطره قراردادن شناسایی یا تمتع یا استیفاء در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یا در هر زمینه دیگری از حیات عمومی باشد.» اعلامیه مورخ بیستم نوامبر ۱۹۶۳ ملل متحد راجع به رفع هر نوع تبعیض نژادی نیز به‌صورت رسمی بر لزوم رفع سریع کلیه اشکال و همه مظاهر تبعیض نژادی در سراسر گیتی و همچنین لزوم تأمین تفاهم و احترام به حیثیت شخص انسانی تأکید کرده است. (ICERD, 1965: 1-2)

### ۹-۲. نادیده گرفتن حقوق و شرافت زنان

براساس کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)، کرامت و ارزش هر فرد انسانی فارغ از جنسیت و برابری حقوق زن و مرد، مورد تأکید است و زنان از نظر منزلت و حقوق با مردان یکسان بوده و بدون هیچ‌گونه تمایزی، از جمله تمایزات مبتنی بر جنسیت، حق دارند از کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، بهره‌مند شوند. دولت‌های عضو میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر نیز متعهد به تضمین حقوق برابر زنان و مردان در بهره‌مندی از کلیه حقوق اساسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی هستند. علاوه بر آن، کنوانسیون‌های بین‌المللی تحت نظر سازمان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی که به‌منظور پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان منعقد گردیده‌اند نیز معتقدند که تبعیض علیه زنان، ناقض اصول برابری حقوق و احترام به کرامت انسانی است و مانع شرکت زنان در شرایط مساوی



با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و نیز گسترش سعادت جامعه و خانواده شده و شکوفایی کامل قابلیت‌ها و استعداد‌های زنان در خدمت به کشور و بشریت را دشوارتر می‌نماید. از نظر این کنوانسیون، عبارت «تبعیض علیه زنان» به معنی قائل شدن هر گونه تمایز، استثناء یا محدودیت براساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آن‌ها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق برپایه مساوات با مردان، صرف‌نظر از وضعیت تأهل آنان، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا هدفش از بین بردن این وضعیت است. (CEDAW, 1979: 1-2)

### ۹-۳. حفظ نکردن شرافت پناهندگان

در کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان (۱۹۵۱)، بر کرامت، حقوق و آزادی‌های اساسی پناهندگان تأکید شده و عدم تبعیض نسبت به پناهندگان، در اولویت قرار گرفته و عدم اعطاء حق پناهندگی یا بی‌توجهی به عزت و شرافت افراد پناهجو، به‌عنوان یکی از اعمال مغایر کرامت انسان‌ها محسوب شده است. این کنوانسیون بر جنبه‌های اجتماعی و بشردوستانه پناهندگی تأکید دارد. (UNHCR, 1951)

### ۹-۴. کشتار جمعی

کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن (۱۹۴۸)، تأکید دارد که طرف‌های متعاقد با در نظر گرفتن این‌که مجمع سازمان ملل متحد به‌وسیله قطع‌نامه مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ خود اعلام داشته که کشتار جمعی (ژنوسید) جنایتی است که نسبت به حقوق بین‌الملل و کرامت بشری اعمال می‌شود و برخلاف روح و مقصد سازمان ملل بوده و دنیای متمدن چنین عملی را محکوم می‌کند و با اذعان به این‌که در تمام دوره‌های تاریخ، این عمل خسارات بسیاری به عالم انسانیت وارد ساخته، باید برای رهایی انسانیت از چنین عامل وحشتناک و ضدانسانی همکاری بین‌المللی صورت گیرد. (OHCHR, 1948)



## ۹-۵. عدم حمایت از حقوق کودکان

اعلامیه جهانی حقوق کودک (۱۹۸۹) تأکید دارد که همگان باید به منزلت و ارزش کودکان توجه داشته باشند و برای پیشبرد رشد اجتماعی و بهبود شرایط زندگی کودکان فعالیت کنند. یکی از اصول مغایر کرامت انسانی براساس این اعلامیه، بی‌توجهی به حقوق کودکان است که لازم است همه کودکان بدون در نظر گرفتن نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، اصلیت اجتماعی یا ملی، ثروت، تولد یا ویژگی‌های دیگر، مشمول حقوق و آزادی توصیه شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار گیرند. باتوجه به این‌که کودک به علت نبود تکامل رشد بدنی و فکری، قبل و بعد از تولد، به مراقبت و توجه خاص که شامل حمایت قانونی مناسب است، نیاز دارد و نظر به این موضوع که چنین مراقبت و حمایت خاصی در اعلامیه ژنو حقوق کودک سال ۱۹۲۴ آمده و در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در مرام‌نامه‌های بنیادهای تخصصی سازمان‌های بین‌المللی مربوط به رفاه کودکان نیز به رسمیت شناخته شده، اعلامیه فوق تأکید دارد که کودک باید از کلیه حقوق مندرج در این اعلامیه و از حمایت ویژه برخوردار شود و امکانات و وسایل ضروری برای پرورش بدنی، فکری، اخلاقی و اجتماعی وی به نحوی سالم و طبیعی و در محیطی آزاد و محترم توسط قانون یا مراجع ذی‌ربط در اختیار وی قرار گیرد. در وضع قوانینی بدین منظور، منافع کودکان باید بالاترین اولویت را داشته باشد. (CRC, 1989)

## ۹-۶. شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه

کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده (۱۹۸۴)، در ماده اول خود، شکنجه را اعمال هرگونه درد یا رنج شدید بدنی یا روحی به یک شخص توصیف می‌کند و تأکید دارد که این امر مخالف کرامت ذاتی بشر است. در ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق



بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در خصوص ممنوعیت اعمال شکنجه یا رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده نسبت به افراد، به‌عنوان عمل مغایر کرامت انسان اشاره شده که دولت‌های عضو سازمان ملل باید مانع شکنجه، تحقیر افراد یا مجازات‌های برخلاف حقوق افراد شوند. (CAT, 1984)

ماده سوم کنوانسیون اروپایی، همانند ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر تنظیم شده، با این تفاوت که در ماده سوم این کنوانسیون، قید «بی‌رحمانه» آمده و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر با تفصیل بیشتری نسبت به اسناد فوق‌الاشاره، به این مسئله پرداخته است. ماده ۵ کنوانسیون مذکور در شش بند، به مسائلی در خصوص شکنجه و رفع تحقیر انسانی می‌پردازد و ذیل مبحث حق رفتار انسانی، منع شکنجه را بررسی می‌کند. (پیرامن، ۱۳۹۰: ۲۲۶)

### ۷-۹. تمایز قائل شدن نسبت به افراد دارای معلولیت

کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (۲۰۰۶)، از تبعیض و تمایز نسبت به افراد دارای معلولیت به‌عنوان رفتاری برخلاف منزلت، ارزش ذاتی، حقوق برابر و لاینفک همه اعضای خانواده بشری یاد می‌کند. سازمان ملل در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر اعلام کرده که همگان (چه افراد دارای سلامت جسمی و چه افراد معلول) بدون هرگونه تمایزی، از تمامی حقوق و آزادی‌های مندرج در اسناد مذکور برخوردارند و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، با تأیید مجدد جهان‌شمولی، عدم انفکاک، وابستگی متقابل و ارتباط فی‌مابین تمامی حقوق و کرامت انسانی، بر آزادی‌های بنیادین و نیاز افراد دارای معلولیت به بهره‌مندی کامل آن‌ها از حقوقشان بدون تبعیض تأکید می‌کند.

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین‌المللی حذف تمامی اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون



رفع اشکال تبعیض نسبت به زنان، کنوانسیون منع شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتارهای تحقیرآمیز غیرانسانی و ظالمانه، کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق تمامی کارگران مهاجر و خانواده آنان، با اذعان به این‌که معلولیت مفهومی تحول‌پذیر است، بر مشارکت افراد معلول و بهره‌مندی آنان از حقوق برابر تأکید می‌کنند. (CRPD, 2006)

### ۸-۹. نارواداری و تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده

اعلامیه درباره محو همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد (۱۹۸۱)، یکی از اعمال مغایر کرامت و عزت انسان‌ها را تبعیض دینی و اعتقادی معرفی می‌کند و تأکید دارد که یکی از اساسی‌ترین اصول منشور ملل متحد، حیثیت و برابری لاینفک همه آحاد بشر است و همه دولت‌های عضو، جداگانه یا به صورت مشترک، متعهد شده‌اند که با همکاری سازمان ملل متحد به منظور گسترش و تشویق رعایت مؤثر و جهان‌شمول حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی برای همگان، بدون تبعیض نژادی، جنسی، زبانی یا مذهبی، عمل کنند. اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، بیانگر اصول عدم تبعیض و برابری در مقابل قانون و حق آزادی اندیشه، وجدان، مذهب یا اعتقاد هستند. در این راستا، بی‌توجهی و نقض حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی، به‌ویژه حق و آزادی اندیشه، وجدان، مذهب یا هر نوع اعتقاد، مستقیم یا غیرمستقیم، منشاء جنگ‌ها و رنج‌های فراوانی می‌شود که به بشریت تحمیل شده است. از این رو، با توجه به این‌که مذهب یا عقیده برای معتقدان آن یکی از بن‌مایه‌های اصلی مفهوم زندگی است، آزادی مذهب یا عقیده به‌عنوان یکی از اصول کرامت انسانی باید محترم شمرده و تضمین شود. لاجرم، تفاهم، رواداری و احترام به آزادی مذهب یا عقیده نیز اصلی اساسی و مبتنی بر شرافت است.



## ۹-۹. عدم رسیدگی به حقوق اقلیت‌ها (مذهبی، زبانی و قومی)

اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی (۱۹۹۲)، از نقض حقوق اقلیت‌ها به‌عنوان امری خلاف اصل کرامت انسانی یاد می‌کند و علاوه بر این سند، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون پیش‌گیری و مبارزه با جنایت کشتار جمعی، کنوانسیون بین‌المللی در باره لغو تمامی اشکال تبعیض نژادی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه در باره حذف تمامی اشکال نارواداری و تبعیض مبتنی بر مذهب یا اعتقاد، کنوانسیون حقوق کودک و نیز در سایر معاهدات بین‌المللی که در سطح جهانی یا منطقه‌ای تصویب شده، بر حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی تأکید شده و اصل «اعتلا و حمایت از حقوق اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی» در راستای ثبات سیاسی و اجتماعی کشورها مورد اشاره قرار گرفته است. در سند مزبور، دولت‌ها در قلمرو خویش از موجودیت و هویت ملی یا قومی، فرهنگی، مذهبی یا زبانی اقلیت‌ها حمایت و به برقراری شرایط تعالی این هویت کمک می‌کنند و باید تدابیری قانونی یا غیر آن که برای رسیدن به این هدف‌ها ضروری است را اتخاذ نمایند. در عین حال، افراد متعلق به اقلیت‌ها حق دارند از فرهنگ خود بهره‌مند شوند، به مذهب خویش عمل کنند و از زبان خود در خلوت و در اجتماع آزادانه و بدون هیچ‌گونه مداخله و تبعیض استفاده کنند. با توجه به اصل کرامت انسانی، افراد متعلق به اقلیت‌ها حق دارند در حیات فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و دولتی مشارکت کامل داشته باشند و بدون هیچ تبعیضی، با سایر اعضای گروه خود و با کسانی از دیگر اقلیت‌ها، رابطه آزاد و صلح‌آمیز بگیرند و آنرا حفظ کنند و نیز در فراسوی مرزها با شهروندان کشورهای دیگر که از طریق منشاء ملی یا قومی یا تعلق مذهبی یا زبانی پیوند دارند، رابطه برقرار کنند.



## ۱۰. مؤلفه‌های اساسی کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

### ۱۰-۱. آزادی و رهایی از هراس

باتوجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمال مطلوب انسان آزاد، برخورداری از آزادی و رهایی از ترس است. باید توجه داشت که از زمان درج اصل آزادی در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق آزادی عقیده و بیان در کلیه معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر محفوظ است و در حقوق بین‌الملل، آزادی بیان، عقاید و ایده‌ها ضروری تلقی می‌شود، تا آن‌جا که به پیشرفت کامل یک شخص کمک می‌کند و سنگ بنای جامعه دموکراتیک عنوان می‌شود. گفتار آزاد، شرط لازم برای بهره‌مندی افراد از حقوق دیگری مانند حق رأی، تجمع آزاد و آزادی اجتماع است. (Howie, 2018: 12) اسناد حقوق بشر منطقه‌ای تأکید دارند که افراد باید بدون تبعیض، دارای اراده آزاد بوده و از ترس رهایی داشته باشند. (OHCHR, 2012: 3)

در ماده یک اعلامیه حقوق بشر، در اصل آزادی ذاتی انسان اشاره شده که تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و سپس در ماده دوم از بهره‌مندی همه افراد جامعه بشری از نعمت آزادی سخن گفته و در ماده سوم آن را به‌عنوان حق شخصی افراد معرفی کرده است. در ماده پنجم نیز به نفی بردگی پرداخته و در ماده شانزدهم، آزادی در امر ازدواج را مورد تصریح قرار داده و در ماده ۱۸، ۱۹ و ۲۰، از آزادی فکر، مذهب، عقیده، بیان و آزادی تشکیل مجامع سیاسی و غیره سخن گفته است. در ماده بیست و نهم، محدودیت‌ها و استثنای وارد بر آزادی را بیان کرده است. این ماده در مقام بیان محدودیت‌های وارد بر حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه مقرر می‌دارد: «هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به‌وسیله قانون و منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های





دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع شده است.» (منصوری، 1397: 87)

### ۱۰-۲. اصل برابری

برابری در اسناد حقوق بشر غربی، مفهومی چند بعدی است و در چارچوب قانون، به همه افراد امکان می‌دهد تا از حقوق و تعهدات خود در قبال قانون استفاده کنند. برخی مفسرین، برابری را ارزشمندترین اصل کرامت انسانی معرفی می‌کنند.

(Dimitrakou, 2015: 4)

براساس اصل کرامت انسانی در اسناد حقوق بشر، همگان باید برابر بوده و هیچ‌کس نباید براساس نژاد، رنگ، جنسیت، سن، زبان، مذهب، شرایط اجتماعی یا وضعیت‌های دیگر به تبعیض دچار شود. (United Nations Population Fund, 2014)

اعلامیه حقوق بشر ۱۷۹۳ فرانسه تصریح می‌کند که همه انسان‌ها به صرف انسانیت، برابر و در مقابل قانون یکسان هستند. اعلامیه حقوق بشر فرانسوی اعلام می‌دارد که برابری یعنی قانون یکسان برای همه، خواه این قانون حمایت‌کننده یا مجازات‌کننده باشد. برابری باعث رفع هرگونه تبعیض نژادی می‌شود. در ماده هفت اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده که همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض از حمایت قانون برخوردار شوند. طبق ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی کلیه اشخاص در مقابل قانون مساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض، استحقاق حمایت قانون را دارند. (منصوری، ۱۳۹۷: ۱۹)

### ۱۰-۳. حق برخورداری از سطح کافی زندگی

مطالبات حداقلی رفاهی مانند مطالبات مدنی و سیاسی، لازمه لاینفک کرامت انسانی در اسناد حقوق بشر هستند و دولت متعهد تأمین این حقوق رفاهی و اجتماعی است. حقوق رفاهی مربوط به سطح استاندارد زندگی، به مجموعه‌ای از تضمینات،



امتیازات و حمایت‌های معیشتی، بهداشتی و آموزشی اطلاق می‌شود که شهروندان در پرتو مداخله حمایتی دولت‌ها از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند. در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به مجموعه‌ای از حقوق انسانی برای داشتن سطح کافی و مناسب زندگی اشاره شده است. (پیرامن، ۱۳۹۰: ۱۸۰)

مطابق ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هرکس حق دارد سطح زندگانی، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث غذا، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و از یک زندگی استاندارد مناسب برخوردار باشد. مطابق ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، می‌بایستی حق هرکس به منظور داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده وی شامل خوراک، پوشاک و مسکن را به رسمیت بشناسند و این ملزومات بنیادی و اساسی زندگی را بهبود بخشیده و به منظور تأمین این حق، تدابیر لازم را اتخاذ کنند؛ لذا در این راستا، به یک همکاری بین‌المللی مبتنی بر رضایت آزاد کشورها نیاز است. کشورهای طرف این میثاق اذعان دارند که حق بنیادین هرکس به رهایی و آزادی از گرسنگی، محتاج یک عزم و همکاری صمیمانه بین‌المللی است. در حقیقت حق بر استاندارد مناسب زندگی، شامل تمامی حقوق اقتصادی و اجتماعی است که برای هماهنگ ساختن حقوق شخص در جامعه انسانی ضرورت دارد. (شرفی، ۱۳۸۹: ۸۴-۸۳)

### ۱۰-۴. امنیت و حفاظت از حیات انسانی

امنیت با تأکید بر در امان بودن جسم و جان فرد از آسیب‌ها و خشونت‌های شخصی، یکی از ابعاد هفت‌گانه امنیت انسانی در گزارش سال ۱۹۹۴ توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل متحد است که ریشه در حق حیات، کرامت ذاتی انسان‌ها و دو حق بشری؛ «حق بر امنیت و حق بر تأمین همه انسان‌ها و اعضای جامعه بشری» دارد. اهمیت این حقوق انسانی موجب شده که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موارد



حقوق بشری، جایگاه ویژه‌ای در اسناد مهم بین‌المللی حقوق بشری و همچنین قوانین اساسی کشورها را به خود اختصاص دهند.

دولت‌ها که از ابتدا به‌عنوان نهادی برای حفظ و حراست از انسان‌ها پدید آمده بودند، در گستره این اسناد الزام‌آور ملی و بین‌المللی، تعهدات زیادی را برای تأمین امنیت فردی انسان‌ها عهده‌دار شده‌اند. در پرتو این متون بین‌المللی، می‌توان از تحول بنیادین وظیفه دولت‌ها در خصوص امنیت فردی انسان‌ها سخن گفت؛ زیرا دولت‌ها که در تلقی سنتی، در خصوص امنیت فردی شهروندان خویش، تعهداتی برعهده داشته‌اند، در این تلقی نوین، با تحول مفاهیم و تعهدات بین‌المللی و همچنین با ظهور گفتمان حقوق بین‌المللی بشر و الگوی امنیت انسانی، نسبت به حفظ امنیت تمامی انسان‌ها، تعهدی انسانی و فراملی یافته‌اند. در نتیجه، به لحاظ ارتباط حیاتی امنیت فردی برای انسان‌ها، دولت‌ها مکلف به حفظ آن برای تمامی افراد اعم از تابعان خویش و دیگر افراد انسانی به لحاظ جایگاه انسانی و کرامت ذاتی آن‌ها هستند. (رهامی، ۱۳۹۳: ۱۸۵) ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید می‌کند که: «هر کس حق دارد از زندگی و آزادی و امنیت شخصی خویش برخوردار باشد».

### ۱۰-۵. حق توسعه

در قطع‌نامه کمیسیون حقوق بشر به شماره (XXXV) در دوم مارس ۱۹۷۹، وجود رابطه‌ای مستحکم میان توسعه، حق بشر و ارتقاء کرامت انسانی، به‌خوبی مشاهده می‌شود. حق توسعه نیز حقی غیرقابل سلب و غیرقابل انتقال است؛ زیرا همه ملل از حق مشارکت، کمک و بهره‌برداری از توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند و این امر در سال ۱۹۸۱ از طریق مجمع عمومی اعلام شد. حق توسعه به‌عنوان یک حق جمعی شناخته شده و فرایندی خاص از توسعه است که در آن تمامی حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی به‌طور منسجم تحقق می‌یابند. این فرایند



## پژوهش‌نامه حقوق بشری

به تدریج از طریق رشد اقتصادی شکل می‌گیرد. این حق، یک حق مرکب است که در آن تمام حقوق به صورتی وابسته به هم و یکپارچه محقق می‌شوند. از همه مهم‌تر این‌که، نگاه به حق توسعه، یک فرایند یک‌پارچه حقوق بشری است که اجازه نمی‌دهد حقوق بشر بدون در نظر گرفتن توسعه، از سایر اهداف متأثر شود.

ماده دوم اعلامیه حق توسعه نیز مقرر می‌دارد که همه انسان‌ها به طور فردی یا جمعی مسئول توسعه هستند و با در نظر گرفتن الزامات ناشی از احترام کامل به حقوق انسانی، می‌توانند شکوفایی کامل انسان را تأمین کنند. در سطح جهانی سند اصلی در خصوص حق توسعه نیز اعلامیه حق توسعه (۱۹۸۶) است که به عنوان یک قطع‌نامه مجمع عمومی، فاقد قدرت الزام‌آور است، اما ارزش حقوقی آن را نباید صرفاً در شکل سندی که آن را شناسایی و تأیید کرده، جستجو نمود. با حق توسعه، سایر حقوق بشر و کرامت انسانی نیز تحقق می‌یابند. (شرقی، ۱۳۸۹: ۴۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## نتیجه گیری

اصل کرامت انسانی بعد از جنگ جهانی دوم با شتاب زیادی وارد اسناد حقوق بین‌الملل شد و بعد از انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر، این اصل در تمامی اسندهای منطقه‌ای و جهانی حقوق بشر بازتاب داشته است. درخصوص معنا و مفهوم کرامت انسانی، اجماع عمومی وجود ندارد و اسناد حقوق بشری به خوبی نتوانسته‌اند درخصوص مفهوم‌سازی و مشخص ساختن حدود و ثغور کرامت شهروندان، موفق عمل کنند و صرفاً از لفظ کرامت در اسناد مختلف بهره می‌گیرند و همین امر منجر به ایجاد نوعی ابهام در مفهوم کرامت انسانی در گفتمان حقوق بشر شده است. کرامت ذاتی انسان به نوعی از جمله مبانی حقوق بشر بین‌الملل است که برآمده از فرهنگ و سنت غربی است و کمتر به کرامت اکتسابی و ارزشی در اسناد حقوق بشری توجه شده است. البته اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی هم در این زمینه دستاورد زیادی نداشته؛ زیرا صرفاً تلاشی برای ارائه برخی داشته‌های اسلام در حوزه حقوق بشر در مقابل اسناد بین‌المللی حقوق بشر بوده و نوآوری چندانی در این اعلامیه درخصوص مصادیق و مفهوم کرامت و نسبت آن با حقوق بشر وجود ندارد.

کرامت انسانی دارای مؤلفه‌هایی نظیر حق آزادی، اصل برابری و رهایی از تبعیض، حقوق رفاهی و ارتقاء سطح استاندارد کیفی زندگی، امنیت و حفظ حیات انسانی، حق توسعه و غیره است که بی‌توجهی به آنها، شرافت و عزت انسان را تهدید می‌کند. برخی اعمال مغایر کرامت انسانی، شامل: «تبعیض نژادی، شکنجه، تحقیر زندانیان، عدم توجه به حقوق معلولین، سوءاستفاده از کودکان، رفتارهای غیرانسانی و ظالمانه، نادیده گرفتن حقوق و شرافت زنان، عدم حفظ شرافت پناهندگان، کشتار جمعی، نارواداری و تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده، عدم رسیدگی به حقوق اقلیت‌های مذهبی، زبانی و قومی» هستند. عدم مدیریت این عملکردهای مغایر کرامت افراد توسط دولت‌ها،



## پژوهش نامه حقوق بشری

منجر به رواج ناامنی و کاهش سطح کیفیت زندگی شهروندان می شود؛ زیرا وجوه مختلف زندگی شهروندان را با تهدید مواجه می سازد.



## منابع

### فارسی

۱. ارسطا، محمدجواد (۱۳۹۶)، «نظام حقوق بشر اسلامی»، قم، نشر مکتب اندیشه.
۲. آندورنو، روبرتو (۱۳۸۶)، «کرامت انسان در پرتو حقوق بین‌الملل زیست‌پزشکی»، فصل‌نامه حقوق پزشکی، سال اول، تابستان، شماره ۱، صص ۹۵-۱۱۲.
۳. بروین، محمد (۱۳۸۶)، «اسناد بین‌المللی حقوق بشر از دیدگاه اسلام»، ترجمه سیدفضل‌الله موسوی، مجله حقوقی ریاست جمهوری، دوره بیست و چهارم، پاییز و زمستان، شماره ۳۷، صص ۶۲-۴۷.
۴. جریده، رسول؛ رزاقی، شعله (۱۳۹۴)، «حقوق و کرامت انسانی»، تهران، اندیشه سبز نوین.
۵. جعفری، محمدتقی (۱۴۱۹ق)، «رسائل فقهی»، تهران، منشورات کرامت.
۶. حبیب‌زاده، توکل؛ فرج‌پور، اصغر (۱۳۹۵)، «کرامت انسانی و ابتنای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن»، مطالعات حقوق عمومی، دوره چهل و ششم، بهار، شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۱۵.
۷. حسینی، سیده لطیفه (۱۳۹۳)، «بررسی مفهوم حقوق بشر»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.
۸. داوری، محسن (۱۳۸۹)، «مفهوم حقوق بشر در تعالیم اسلامی»، حقوق اسلامی، بهار و تابستان، شماره ۳۱، صص ۸۷-۱۱۳.
۹. رحمانی، ابراهیم؛ مؤذنی، سیامک (۱۳۹۵)، «جایگاه کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه راهبرد توسعه، زمستان، شماره ۴۸، صص ۲۴-۴۰.
۱۰. رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷)، «کرامت انسانی در حقوق کیفری»، تهران، نشر میزان.
۱۱. رهامی، روح‌الله (۱۳۹۳)، «وظیفه دولت‌ها در حفظ امنیت فردی انسان‌ها»، حقوق عمومی، بهار، شماره ۴۲، صص ۲۱۱-۱۸۵.
۱۲. سازمان کنفرانس اسلامی (۱۳۶۹)، «اعلامیه حقوق بشر اسلامی»، بی‌جا.



۱۳. سبحانی نیا، محمد (۱۳۹۴)، «کرامت اقتضایی انسان در بوته نقد»، معارف قرآنی، پاییز، شماره ۲۲، صص ۱۳۶-۱۰۷.
۱۴. شرفی، سیدحسن (۱۳۸۹)، «کرامت انسانی در تفسیرهای حقوق بشر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.
۱۵. العاید، صالح بن حسین (۱۳۸۶)، «حقوق غیرمسلمانان در کشورهای اسلامی»، ترجمه داود نارویی، تهران، نشر احسان.
۱۶. میرمحمدی، منصور؛ کمالی، محمد (۱۳۹۳)، «تحلیل مفهوم کرامت انسانی در اندیشه سیاسی شیعه»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال سوم، بهار، شماره ۱۰، صص ۵۰-۲۷.
۱۷. عمیدزنجانی، عباس علی؛ توکلی، محمد مهدی (۱۳۸۶)، «حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۷، زمستان، شماره ۴، صص ۱۸۹-۱۶۱.
۱۸. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۷)، «حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸)، «دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی»، تهران، قوه قضاییه.
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۶)، «نظریه حقوقی اسلام»، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۱. مقدسی، یوسف؛ یحیایی، حامد (۱۳۹۵)، «تحلیل نسل چهارم حقوق بشر و نقش این نسل در حمایت از کرامت انسانی»، آذربایجان شرقی، انتشارات پژوهش‌های دانشگاه.
۲۲. مک کرودن، کریستوفر (۱۳۹۶)، «کرامت انسانی و تفسیر قضایی حقوق بشر»، ترجمه توفیق و نجفی، تهران، نشر خرسندی.





۲۳. منصور، یزدان (۱۳۹۷)، «مطالعه تطبیقی حق کرامت و برابری انسانی از منظر منشور حقوق شهروندی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند.

۲۴. نوبهار، رحیم (۱۳۹۶)، «کرامت انسانی، آزادی و امنیت و حق بر تعیین سرنوشت در منشور حقوق شهروندی»، چهارمین میزگرد علمی - تخصصی بازخوانی منشور حقوق شهروندی تهران، دبیرخانه دائمی کنگره بین‌المللی حقوق شهروندی.

#### انگلیسی

1. Amnesty International (2015), Human rights for human dignity: A primer on economic, social and cultural rights, London, Amnesty International Publications.
2. Andorno, Roberto (2009), "Human Dignity and Human Rights as a Common Ground for a Global Bioethics", Journal of Medicine and Philosophy, no 3, vol 34, pp. 223-240.
3. Andorno, Roberto (2014), "Human Dignity and Human Rights", Handbook of Global Bioethics, New York, Springer Science and Business Media Dordrecht.
4. Bayeh, Endalcachew (2015), "Human Rights in Ethiopia: An Assessment on the Law and Practice of Women's Rights", Humanities and Social Sciences, Vol. 3, No. 2, pp. 83-87.
5. Brownsword, Roger (2015), "Human dignity from a legal perspective", In Human Dignity, Cambridge University Press.
6. Carozza, Paolo G. (2008), "Human Dignity and Judicial Interpretation of Human Rights: A Reply", The European Journal of International Law, Vol. 19, No. 5, pp.931-944.



- 7.CAT (1984), Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, 10 December
- 8.CEDAW (1979), Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, New York, Committee on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, 18 December.
- 9.CRC (1989), Convention on the Rights of the Child, 20 November.
- 10.CRPD (2006), Convention on the Rights of Persons with Disabilities, 13 December.
- 11.Dimitrakou, Christina (2015), "Substantial equality and human dignity", International Journal of Human Rights and Constitutional Studies, Vol. 3, No. 1, pp. 4-18.
- 12.Dixon, Simon and et.al. (2011), "What is dignity? A literature review and conceptual mapping", School of Health and Related Research.
13. Donnelly, Jack (1982), "Human Rights and Human Dignity", The American Political Science Review, Jun, Vol. 76, No. 2, pp. 303-316.
- 14.Duwell, Marcus (2015), "Human dignity: concepts, discussions, philosophical perspectives", In Human Dignity, Cambridge University Press.
- 15.Feely, Katherine (2019), The Principle of Human Dignity, In Human Dignity, By Education for Justice.
16. Galvin, Kathleen and Les Todres (2015), "Dignity as honour-wound: an experiential and relational view", Journal of Evaluation in Clinical Practice, Vol. 21, No. 3, pp. 410-418.
- 17.Gebeye, Berihun Adugna (2012), "Corruption and Human Rights: Exploring the Relationships", working paper, 10 October, No. 70, pp.1-44.
- 18.Grant, Evadne (2007), "Dignity and Equality", Human Rights Law Review, Volume 7, Issue 2, pp.299-329.
- 19.Grover, Sonja(2009), "A response to Bagaric and Allan's: The Vacuous



- Concept of Dignity”, The International Journal of Human Rights, Volume 13, Issue 4, pp. 615-622.
20. Haack, Susan M. (2012), “Christian Explorations in the Concept of Human Dignity”, *Dignitas*, Vol. 19, No. 3, pp.4-7.
21. Hjorth, Lillian and Marit Langmyr (2015), “Human dignity and human rights”, In *journalism-edu*.
22. Howie, Emily (2018), “Protecting the human right to freedom of expression in international law”, *Journal of Speech-Language Pathology*, Volume 20, Issue 1, pp. 12-15.
23. Hughes, Glenn (2011), “The concept of dignity in the universal declaration of human Rights», *The Journal of Religious Ethics*, Vol. 39, No. 1, pp. 1-24.
24. ICERD (1965), *International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination*, 21 December.
25. Imbach, Ruedi (2015), “Human dignity in the Middle Ages (twelfth to fourteenth century)”, In *Human Dignity*, Cambridge University Press.
26. Kivisto, Hanna-Mari (2012), “The Concept of Human Dignity in the Post-War Human Rights Debates”, *Res Publica: Revista de Filosofía Política*, Vol. 27, pp. 99-108.
27. Lattimer, Mark (2018), “Two Concepts of Human Rights”, *Human Rights Quarterly*, Volume 40, Number 2, pp. 406-419.
28. Lohmann, Georg (2015), “Different Conceptions and a General Concept of Human Rights”, *Journal of the Humanities and Social Sciences*, volume 8, Issue 3, pp.369–385.
29. Lukow, Pawel (2018), “A Difficult Legacy: Human Dignity as the Founding Value of Human Rights”, *Human Rights Review* vol 19, No3, pp.313–329.



- 30.Mahony, Conor (2012), "There is no such thing as a right to dignity", International Journal of Constitutional Law, Volume 10, Issue 2, pp.551-574.
- 31.Maroth, Miklos (2015), "Human dignity in the Islamic world", In Human Dignity, Cambridge University Press.
- 32.McCrudden, Christopher (2008), "Human Dignity and Judicial Interpretation of Human Rights", The European Journal of International Law, Vol. 19, No.4, pp. 655-724.
- 33.McManus, Matt (2019), "Human Dignity and Human Rights", In Human Rights, Law, Philosophy, 13 July.
- 34.Mezzaroba, Orides and Vladmir O Silveira (2018), "The principle of the dignity of human person", Revista de Investigações Constitucionais, vol. 5, no. 1, pp.273-293.
- 45.Michael, Lucy (2014), "Defining Dignity and Its Place in Human Rights", The New Bioethics, Volume 20, Issue 1, pp.12-34.
- 36.Mubelo, Willy Moka (2017), "Human Rights and Human Dignity", Reconciling Law and Morality in Human Rights Discourse, Switzerland, Springer International Publishing.
- 37.Nussbaum, Martha (2008), "Human Dignity and Political Entitlements", the President's Council on Bioethics and Human Dignity, Washington, Presidents Council on Bioethics.
- 38.OHCHR (1948), Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 9 December.
- 39.OHCHR (2012), Towards freedom from fear and want: Human rights in the post2015 agenda, The United Nations.
- 40.Renteln, Alison Dundes (1988), "The Concept of Human Rights", Anthropolos, No. 83, pp. 343-364.



41. Shultziner, Doron (2003), "Human Dignity: Functions and Meanings", *Global Jurist Topics*, Volume 3, Issue 3, pp.1-21.
42. Simoes, Angela and Paula Sapeta (2019), "The concept of dignity in nursing care: a theoretical analysis of the ethics of care", *Rev. Bioet*, Vol. 27, No.2, pp.244-252.
43. Soltan, Karol Edward (2017), "Justice, Human Dignity and Human Rights", *The Good Society*, Vol. 26, No. 2-3, pp. 354-369.
44. Sourlas, Paul (2016), "Human Dignity and the Constitution", *Jurisprudence (An International Journal of Legal and Political Thought)*, Volume 7, Issue 1, pp. 30-46.
45. Staffen, Marcio Ricardo and Mher Arshakyan (2017), "About the Principle of Dignity: philosophical foundations and Legal Aspects", *Sequencia*, Jan/Apr, no.75, pp.43-61.
46. UNESCO (2011), *Casebook on Human Dignity and Human Rights*, Paris, United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
47. UNHCR (1951), *Convention relating to the Status of Refugees*, 14 December
- United nations (2015), *Universal Declaration of Human Rights*, New York, United Nations Regional information Centre (UNRIC).
48. United Nations Population Fund (2014), *Human rights principles*, New York, NY: United Nations Population Fund.
49. Valentini, Laura (2017), "Dignity and Human Rights: A Reconceptualization", *Oxford Journal of Legal Studies*, Volume 37, Issue 4, pp. 862-885.
50. Ziebertz, Hans-Georg (2016), "Human dignity-the foundation of political human rights?", *Journal of Beliefs & Values*

